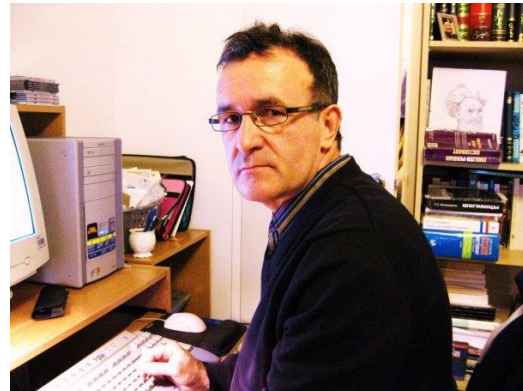


حق تعیین سرنوشت

نویسنده: حسینی حسنیار شغنائی

28 جولای 2014



اعلامیه حقوق بشر و حقوق اقلیتها

تمام کنواسیونهای بین المللی حق تعیین سرنوشت اقلیتها را در یک کشور برسمیت شناخته و آن را احترام میگذارند. برای آنهایکه با علم جامعه شناسی سرو کار دارند مهم است که بدانند اقلیت چیست و به کدام گروه از مردم اقلیت گفته میشود. برای شناخت گروههای اقلیت لازم است تا تعریف آن ارائه شود.

در تعریفی که از طرف کمیسیون فرعی سازمان ملل در باره اقلیتها بیان شده آمده است که: «... گروهی که از لحاظ کمیت کمتر از باقی جمعیت یک کشور در وضعیتی غیر حاکم هستند، که اعضای آن (اتباع دولت) از نقطه نظر قومی، دینی یا زبانی دارای ویژگیهایی می باشند که با باقی جمعیت متفاوتند، و خصوصاً و بصورت مستمر دارای نوعی احساس همبستگی اند که با آن از فرهنگ، سنتها، دین و زبانشان پاسداری می کنند».

(دبیاچه اعلامیه جهانی حقوق بشر)

پاتریک ترنبری Patrick Thornberry نویسنده کتاب ارزشمند حقوق بین الملل و حقوق اقلیتها، اقلیت را گروهی می داند که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد، کمتر از بقیه جمعیت کشور باشند، در عین حال اعضای آن تبعه آن کشور هستند و ویژگیهای متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ آداب و رسوم مذهب یا زبان خود هستند. در یک تعریف دیگر آمده است: اقلیت دارای ویژگیهای خاص خود بوده و اگر گروهی از نظر قومی، ملی، مذهبی و یا زبانی با گروههای حاکم متفاوت باشند، اقلیت نامیده می شوند.

اصول و مبانی مسأله اقلیتها در حقوق بین الملل

اصول و مبانی مسأله اقلیتها در حقوق بین الملل شامل اصولی است که صریحاً به مسائل اقلیت ها مربوط می شوند و از آنها حمایت ویژه ای به عمل می آورند. این اصول تأکید دارند که همه مردم، از جمله اعضای اقلیت های قومی و گروه های مذهبی، حقوق پایه یکسانی با دیگر شهروندان جامعه دارند و باید بتوانند بدون تبعیض از این حقوق برخوردار شوند. برخی از حقوق فردی استاندارد، برای اقلیت های قومی و دینی اهمیتی ویژه دارند. از جمله این حقوق، اجتماع آزادانه، تشکل یافتن، آزادی مناسک دین و مذهبی، و آزادی بیان وسایر اصول مطرح در موازین مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی می باشد.

هرچند در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر واژه اقلیتها نیامده است اما در جهت اجرای بند 3 و 4 ماده اول و مواد 55 و 66 منشور سازمان ملل متحد که رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای تمامی افراد بدون تبعیض نسبت به نژاد، جنس، زبان یا دینی را اعلام نموده است. متون و اسنادی به تصویب رسیده است که در ذیل مختصراً به آنها اشاره میشود.

در مقدمه اعلامیه 18 دسامبر 1992 مجمع عمومی سازمان ملل به برابری حقوق مردان و زنان و ملت‌ها تصریح شده است. در متن این اعلامیه برابری همه اعضای یک جامعه و عدم تبعیض میان آنها در مقابل قانون نیز تضمین گردیده است.

به موجب بند اول ماده 4 اعلامیه مذکور دولت‌ها موظف اند تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بتوانند تماماً و واقعاً کلیه مزایای مندرج در موازین حقوق بشر و نیز همه آزادی‌های اساسی را دارا باشند و در خاتمه این ماده بر این امر تأکید شده است که اجرای این حقوق و آزادی‌ها باید بدون هیچ گونه تبعیض و در شرایطی کاملاً مساوی نسبت به همه شهروندان و اقلیت‌ها انجام پذیرد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنواسیون‌های بین المللی که مفادشان حاوی حقوق اقلیت‌ها باشد با یک عده از واژه های حقوقی و سیاسی مزین شده اند که به تعریف نیاز دارند.

آزادی عقیده و مذهب اقلیت‌ها

واژه آزادی چیست؟

آزادی عبارتست از حق انتخاب نظری و عملی انسان در تمامی زمینه‌ها مادامی که عمل او به سلب حقوق دیگران و اخلال در نظم و اخلاق عمومی منجر نشود.

مذهب یا دین: نوعی عقیده و مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری درباره انسان، جهان هستی، منش‌های اخلاقی و احکام عملی است که دیندار بر پایه آن با ایمان و عمل به تعالیمی که توسط پیامبر در اختیار آدمیان قرار داده است. به باور پیروان یک دین و یا مذهب راهی که به سعادت ابدی می‌رساند. حالا در روشنی تعریف دین و مذهب می‌خواهیم بدانیم که آزادی مذهب چیست.

آزادی مذهب حق انتخاب و تدین انسان به هر مذهبی است، همچنین حق ایمان داشتن، اظهار دین و بیان اعتقادات دینی، انجام مناسک و اعمال مذهبی، تعلیم امور دینی به کودکان و متدینان، دعوت، تبلیغ و ترویج تعالیم دینی در جامعه، تأسیس اماکن دینی، ترک ایمان و خروج از دین، ترک اعمال دینی، و نقد تعالیم دینی است، مادامی که عمل دینی شخص باعث سلب حقوق و آزادی‌های دیگران و اخلال در نظم و اخلاق عمومی نباشد. آزادی مذهب زمانی تحقق می‌یابد که دین و مذهب فرد جرم محسوب نشده و منجر به سلب حقوق فردی و اجتماعی نگردد.

مهمترین اسناد بین المللی حقوق بشر در ارتباط با آزادی عقیده و مذهب عبارتند از: مواد 2، 18، 19، 26 (بند‌های 2، 3 و 29)، (بند 2) اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 2 (بند 1، 18، 19 و 20) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. با عنایت به مفاد این مواد می‌توان استنباط نمود که اعضای گروه‌های اقلیت از یک سلسله حقوق مدنی و سیاسی که عبارتند از حق آزادی عقیده، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق آزادی در انجام مناسک دینی و مذهبی، حق بهره مند بودن از شرایط عادلانه تبلیغ دینی نسبت به افراد گروه اقلیت مورد نظر بهره مند می‌باشند. همچنین طبق اصول اعلامیه و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق اشتغال در مشاغل اداری، حق انتخاب شغل، حق بهره مند بودن از شرایط عادلانه انتصاب در پست‌های سیاسی، حق تعلیم و تربیه همگانی به طور کامل و بدون هیچ تبعیضی همانند سایر اعضای جامعه پیش بینی شده است. همچنین با توجه به بند 5 ماده 2 اعلامیه فوق، اقلیت‌ها «حق دارند ارتباطات آزادانه و مسالمت آمیز با سایر اعضای گروه خود و با اشخاص متعلق به اقلیت‌های دیگر و همچنین ارتباطاتی فراسوی مرزها با اتباع دولت‌های دیگر که با آنان از لحاظ ریشه و نسب ملی و قومی با وابستگی‌های دینی یا زبانی متصل هستند بدون هیچ تبعیضی، برقرار ساخته و حفظ نمایند.

اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی
مصوب مجمع عمومی در قطعنامه 135/47 مورخ 18 دسامبر 1992

با الهام از مفاد ماده 27 معاهده بین المللی حقوق سیاسی و مدنی مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت های قومی، دینی و زبانی، با توجه به این که ترویج و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی،

دینی و زبانی به ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهاییکه در آنها زندگی میکنند، مساعدت میکند، با تاکید بر اینکه ترویج و تحقق مداوم حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی، به عنوان بخشی لازم از توسعه جامعه به طور کلی و در چارچوبی دموکراتیک مبتنی بر حکومت قانون، به تقویت دوستی و همکاری بین مردمان و کشورها مساعدت خواهد کرد، با در نظر گرفتن اینکه سازمان ملل متحد در رابطه با حمایت از اقلیت‌ها نقشی مهم برای ایفا دارد، با توجه به اقداماتی که تاکنون در نظام ملل متحد انجام شده، به ویژه به وسیله کمیسیون حقوق بشر، آکمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و نهادهایی که به پیروی از معاهدات بین المللی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر در زمینه ترویج و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی تشکیل شده، این اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی را اعلام میکند:

ماده اول

- 1- کشور ما باید از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط را برای ارتقای این هویت تشویق آند.
- 2- کشور ما باید قوانین مناسب و تدابیر دیگر برای نیل به این هدفها تصویب کند.

ماده دوم

- 1- افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی حق دارند در نهان و به طور علنی، آزادانه و بدون مداخله یا هر شکل از تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره مند و برخوردار شوند، دین خود را اعلام و به آن عمل کنند، و به زبان خاص خود سخن بگویند.
- 2- افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند به صورتی موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی مشارکت کنند.
- 3- افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند به صورتی موثر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اقلیت‌هایی که به آن تعلق دارند یا به منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، به شیوه‌ای که با قوانین ملی ناسازگار نباشد در سطح ملی و، هر جا مناسب باشد، منطقه‌ای شرکت کنند.
- 4- افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند انجمن‌های خاص خود را تشکیل دهند و حفظ کنند.
- 5- افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند بدون هیچ تبعیضی با سایر اعضای گروه خود و با افراد متعلق به گروه‌های دیگر تماس‌های آزاد و مسالمت‌آمیز برقرار و حفظ کنند و با شهروندان سایر کشورها که با آنان بیوندهای ملی یا قومی، دینی یا زبانی دارند تماس‌های فرا مرزی برقرار کنند.

ماده سوم

- 1- افراد متعلق به اقلیت‌ها می‌توانند حقوق خود را، از جمله حقوقی که در اعلامیه حاضر اعلام شده، به صورت انفرادی و همچنین در اجتماع با سایر اعضای گروه خود، بدون هیچ تبعیضی اعمال کنند.
- 2- در نتیجه اعمال یا عدم اعمال حقوق اعلام شده در اعلامیه حاضر هیچ زبانی نباید به هیچ شخص متعلق به یک اقلیت وارد شود.

ماده چهارم

- 1- کشورها، هر جا که لازم باشد، باید برای تضمین این که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بتوانند تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی خود را بدون هیچ تبعیض و برابری کامل در مقابل قانون، به طور کامل و موثر اعمال کنند، تمهیداتی به عمل آورند.
- 2- کشورها باید برای ایجاد شرایط مناسب به منظور توانمند ساختن اشخاص متعلق به اقلیت‌ها به ابراز ویژگی‌های خود و توسعه فرهنگ، زبان، دین، سنت‌ها و رسوم آنان تمهیداتی انجام دهند، مشروط بر این که روش‌ها و اعمال ویژه مغایر قانون ملی و متضاد با معیارهای بین‌المللی نباشد.

- 3- کشورها باید تمهیدات لازم انجام دهند تا هر جا ممکن باشد، اشخاص متعلق به اقلیت ها بتوانند امکانات کافی برای یادگیری زبان مادری خود یا برای داشتن دستور العمل های به زبان مادری خود داشته باشند.
- 4- کشورها باید، هر جا مناسب باشد، تمهیداتی در زمینه آموزش انجام دهند تا شناسایی تاریخ، سنت ها، زبان و فرهنگ اقلیت های موجود در سرزمین خود را تشویق کنند.
- 5- کشورها باید تمهیدات مناسب انجام دهند تا اشخاص متعلق به اقلیت ها بتوانند به طور کامل در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورشان شراکت کنند.

ماده پنجم

- 1- سیاست ها و برنامه های ملی باید با توجه لازم برای منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیت ها برنامه ریزی و اجرا شود.
- 2- برنامه های همکاری و یاری بین کشورها باید با توجه لازم برای منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیت ها برنامه ریزی و اجرا شود.

ماده ششم

کشورها باید در مسائل مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت ها، از جمله، مبادله اطلاعات و تجربه ها، به منظور افزایش تفاهم و اعتماد متقابل همکاری کنند.

ماده هفتم

کشورها به منظور حمایت از احترام به حقوق اعلام شده در اعلامیه حاضر باید همکاری کنند.

ماده هشتم

- 1- هیچ موردی در اعلامیه حاضر نباید مانع از اجرای تعهدات بین المللی کشورها در ارتباط با اشخاص متعلق به اقلیت ها شود. کشورها، به ویژه، باید تعهدات و الزاماتی را که براساس معاهدات و توافقنامه های بین المللی که عضو آنها هستند بر عهده گرفته اند، با حسن نیت انجام دهند.
- 2- اعمال و اجرای حقوق اعلام شده در اعلامیه حاضر نباید برخورداری همه اشخاص را از حقوق بشر و آزادی های بنیادی که در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده اند، تحت تاثیر قرار دهد.
- 3- تمهیداتی که برای تضمین برخورداری موثر از حقوق اعلام شده در اعلامیه حاضر به وسیله دولت ها انجام می شود، نباید با اصل برابری تصریح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر متضاد باشد.
- 4- هیچ موردی در اعلامیه حاضر نباید چنان تفسیر و تعبیر شود که فعالیتی مغایر با هدف و اصول سازمان ملل متحد، از جمله برابری حاکمیت، تمامیت ارضی، و استقلال سیاسی کشورها را مجاز بداند.

ماده نهم

کارگزاری های تخصصی و سایر سازمان های نظام ملل متحد باید به تحقق کامل حقوق و اصول اعلام شده در اعلامیه حاضر، در حوزه های صلاحیت مربوط به خود، مساعدت کنند.

بعد از مرور مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنواسیون های بین المللی در مورد اقلیتها این پرسش میان می آید که آیا بخشی از مردم یک کشور که به دلایل زبانی، نژادی یا قومی متمایز هستند حق جدا شدن از آن کشور را دارند؟

اعلامیه های جهانی بر جدایی اقلیتها از کشور مادر (کشوریکه اقلیتها در آن بسر میبرند) اذعان نکرده است، ولی بصورت ضمنی آن را حق اقلیتها میدانند. برای جدایی اقلیتها از کشورمادر شرایط را قبول کرده اند که از همه مهمتر تبعیض (انواع آن) و ظلم متداوم میباشد.

در زمان فروپاشی شوروی ما شاهد جدایی چندین قوم بر اساس ضوابط مختلف از یک دولت مادر میباشیم. این جدایی بدون همه پرسی و بدون خواهش اهالی از کشور مادر بود. کشور مادر روی برخی از ملحوظات فروپاشید،

جمهوریهای شوروی هم ناگزیر سرنوشت خود را در دست گرفتند. هرچند مردمان این کشورها آمادگی برای جدایی را نداشتند، ولی آن را پذیرفتند، چون انتخاب دیگری نداشتند.

درین اواخر در فرهنگ حقوق سیاسی یک اصطلاح رایج شده است بنام "جدایی جبرانی". چنانچه در بالا نیز متذکر شدیم که در اثر ظلم، تعدی، اختناق و تخطی آشکار حقوق بشر در کشور مادر علیه یک قوم بوضوح دیده شود، سرانجام آن جدایی است. در سال 1908 میلادی بر همین مینا بود که "کوزاوا" از کشور مادر صربستان جدا شد.

فراموش نباید کرد که حقوق اقلیتها جزء حقوق بشر محسوب میشود. در کشورهای که دموکراسی را برای نوع حکومت خود پذیرفته اند احساسات جدایی طلبی نیز بسیار زیاد محسوس نیست و شهروندان میل جدایی از کشور مادر را ندارند. در کشورهای غیر دموکراتیک که شهروندان آن در تبعیض و بی عدالتی اجتماعی بسر میبرند؛ و انواع ظلم را تا حد سرکوب و نابودی تدریجی احساس میکنند. بیشتر مایل اند تا سرنوشت خود را بدست خود تعیین کنند.

باید نهایت احتیاط را بخرج داد تا حق تعیین سرنوشت را از جدایی تفکیک نمود. این دو اصطلاح در وهله ی نخست خیلی شبیه هم به نظر میرسند ولی در اصل دو تعریف کاملاً متفاوت و جدا از هم میباشند.

حق تعیین سرنوشت به هیچ وجه به معنای جدایی نیست. حق تعیین سرنوشت وسیله است برای رسیدن به دموکراسی و برخورداری از حقوق مساوی با سایر شهروندان در یک کشور واحد. اینکه یک قوم در داخل یک کشور سرنوشت خود در دست گیرد شرایط دموکراتیزه کردن جامعه نیز بیشتر مهیا میگردد. تعیین سرنوشت در چهارچوب دموکراسی بهتر است از جدایی طلبی.

جدایی طلبی از اسمش پیداست که عبارت از جدایی یک قوم از کشور مادر است، و داشتن استقلال سیاسی باز هم در چارچوب موازین و میثاقهای بین المللی.

با درنداشتن مفاد موازین بین المللی اقوام پامیری ساکن افغانستان حق دارند سرنوشت خود در داخل کشور مادر (افغانستان) بدست بگیرند. باید از کلیه حق و امتیازاتی که برای سایر اقوام مطابق به قانون اساسی تعیین شده است استفاده نمایند. حق تعیین سرنوشت حق مسلم ماست.